

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

اکبر تک دهقان
۷ عقرب ۱۳۸۸ - ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹

تناقض مسأله هسته‌ئی: سیاسی برای رژیم، امنیتی برای غرب

رژیم اسلامی، اجرای طرح جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی را بازم ناکام گذاشت. این طرح که از سوی البرادعی رئیس این آژانس تهیه شده، و در نشستهای ماه اکتبر سال جاری، در مذاکرات ژنو (سوئیس) و وین (اتریش)، به تصویب طرفین غربی نیز رسیده بود، علی رغم اعلام فریبکارانه مسئولین مربوطه رژیم مبنی بر "مثبت" بودن آن، با طرح دعای بعدی حکومت اسلامی، عملاً به بن بست رسید. به دنبال آن، امروز سران ۲۷ کشور اروپای متحد، قطعنامه ای را آماده نموده اند، که براساس آن، حکومت اسلامی را به ضرورت اجرای توافقنامه ژنو فراخوانند خوانند.

طبق طرح آژانس انرژی اتمی که در روزهای ۱۹ و ۲۱ اکتبر تصویب گردید، رژیم اسلامی باید ۷۵ درصد از مجموعه اورانیوم غنی شده خود را در اختیار طرف قرارداد این آژانس، یعنی روسیه قرار دهد. حجم منتقل شده به این ترتیب، که شامل ۱۲۰۰ کیلوگرم از ۱۵۰۰ کیلوگرم - کل موجودی اورانیوم غنی شده در ایران- میگردد، در مراکز غنی سازی اورانیوم در روسیه تا سطح ۱۹.۷۵ درصد غنی میشود. این میزان از اورانیوم در مراکز غنی سازی موجود در ایران، در سطح ۳.۵ تا ۵ درصد غنی شده است.

برطبق طرح البرادعی، اورانیوم غنی تر شده در روسیه، سپس به فرانسه ارسال گشته، از آن، میله های سوخت (المانی: Brennstäbe) تولید میگردد. میله های سوخت تولید شده به این ترتیب، برای مصرف در رآکتور تحقیقی امیرآباد تهران- که یک رآکتور بسیار قدیمی و تقریباً اسقاط است- به رژیم اسلامی تحویل داده میشود. حکومت اسلامی بناء به ادعای خود، از مصرف میله های سوخت مذکور، تولیداتی برای مصارف پزشکی را مد نظر دارد.

حکومت اسلامی در اولین واکنش خود، به رسم همیشگی به روش "تقیه" روی آورده، با ظاهر سازی مشتمل کننده یک بازاری کلاش، بر "مثبت" بودن چهارچوب طرح اشاره کرد! تاکتیکی که رژیم، همواره و به تقلید از دیپلماسی غربی به آن متوسل گشته، تا با وقت کشی، به میزان هرچه بیشتری از اورانیوم غنی شده، دست پیدا کند. بعد از یک تأخیر یک هفته ای در پاسخ به طرح نامبرده، مأمور مربوطه رژیم، در یک پاسخ شفاهی، خواستار انجام برخی تغییرات "فنی و اقتصادی" در آن شده است. رژیم اسلامی، طی اعلام موضع غیررسمی خود، خواستار انجام ۲ تغییر شده است:

۱- ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم کمتر غنی شده، نباید به یکباره، بلکه با تقسیم به بخشهای کوچکتر، و به تدریج به روسیه ارسال گردد؛ ظاهراً از این طریق باید همواره حجم کافی از اورانیوم غنی شده داخلی، در مراکز آن موجود باشد.

۲- هر میزان از اورانیوم کمتر غنی شده، تنها در قبال همان مقدار اورانیوم با غلظت حدود ۲۰ درصد از سوی دولت فرانسه، تعویض گردد. از این طریق هم باید ادامه بلند مدت طرح برای رژیم تضمین شده، از "سرقت" احتمالی حجم بزرگی از اورانیوم توسط غرب، و بی اورانیوم شدن رژیم ممانعت گردد!

طرح جدید کشورهای غربی در کشمکش هسته ای، در اساس، بر رفع نگرانی غرب و اسرائیل از وجود ۱۵۰۰ کیلوگرم اورانیوم هر چند کمتر غنی شده در ایران، متکی است. به این اعتبار، طرح مذکور فقط باید به این نگرانی پایان داده، وقوع تحریمهای سنگین و یا حتی تهاجم هوایی اسرائیل به ایران را غیر ضروری سازد؛ این درست همان هدفی است، که اروپاییان با اهداء جایزه صلح نوبل امسال به باراک اوباما، از او انتظار دارند. غرب هدفی ستراتیژیک، مبنی بر ایجاد مناسبات همه جانبه با رژیم اسلامی، و سپردن تعهدی برای ادامه حیات آن را دنبال نمیکند، و احزاب هم اینک حاکم در کشورهای اروپا و آمریکا نیز، در موقعیت سپردن چنین تضمینهایی نیستند. در حالیکه، برای رژیم اسلامی، توسل به مسأله غنی سازی اورانیوم در ایران، یک هدف سیاسی ستراتیژیک در داخل و خارج محسوب گشته، توقع دست یابی به نتایج بسیار مهمی را از آن دارد. راه حل جدید آژانس انرژی اتمی، ارائه شده از سوی دبیرکل آن- که طی ۱ ماه آتی، خدمت او در این نهاد، به پایان میرسد- نه یک طرح سیاسی و بلند مدت و دائمی، بلکه طرحی امنیتی و کاملاً محدود به چند ماه آتی است. از این رو، برای مسئولین یک رژیم ترور، که مدام در حال باج گیری از دیگران است، طرح با ضمانتی محسوب نمیگردد.

راه حل جدید حاوی ناروشنیهای زیادی بوده، از جمله اینکه، دارای عناصر ساختاری-اجرایی متعدد لازمه اجرای آن و شیوه حل معضلات مالی و هزینه های انجام آن نیست. انتقال اورانیوم غنی شده به روسیه و سپس تحویل آن به فرانسه، به لجستیک فنی و عملی خاصی نیاز داشته، که هنوز ایجاد نشده است. چنین محموله ای، چیزی نیست که بتوان به سادگی آن را در یک ایستگاه قطار بار زد، و در جایی هم به زمین گذاشت. باید برای اجرای بلند مدت آن، ادارات و مؤسسات فنی، حمل و نقل و کنترل و انبار داری خاصی تأسیس شده، پرسنل و کارشناسانی با سطح حقوق بالا استخدام شده، به کار گرفته شوند. همه این امور، به قانون و آئین نامه و بودجه نیاز داشته، و هزینه های سنگینی را هم متوجه همه طرفین خواهند نمود. از این گذشته، چنین چیزی در جهان کنونی در شکل متمرکز تجربه نشده، و رفت و آمد مداوم اورانیوم غنی شده، از این کشور به آن کشور، از راههای زمینی، دریایی و یا هوایی، خطرات به مراتب بیشتری در مقایسه با صادرات و واردات هر روزه گوجه فرنگی ایجاد خواهند کرد! به این ترتیب اجرای همین نقشه ظاهراً مناسب غرب- که رژیم اسلامی حتی از پذیرش آن هم طفره میبرد- در چهارچوب امکانات کنونی ساده نیست؛ طوری که انجام آن نمیتواند حتی برای دو یا سه بار در سطح معرفی شده کنونی هم، میسر گردد. صرفنظر از اینکه، پس از هر انتخاباتی در کشورهای غربی، همه توافقات و طرحهایی از این نوع، از نو باید مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر این، دولتها و پارلمانهای طرف غربی این توافق، باید قوانین و سیاست ناظر بر آن را مورد بحث قرار داده، به تصویب برسانند.

در اروپای کنونی، افکار عمومی به شدت با مسأله زباله های اتمی و نقل و انتقالاتی از این نوع، مشکل دارند. هر دولتی برای اینکه مقبول واقع شود، از طرحهای آنچنانی برای بی خطر کردن، حتی تعطیل نیروگاههای هسته ای سخن میگوید. کدام حزب و دولت غربی قادر است در چنین شرایطی، مردم را به نقل و انتقال اورانیوم کمتر و

بیشتر غنی شده از ایران به روسیه، از روسیه به فرانسه، در انتها از فرانسه به ایران قانع کرده، خطرات چنین نقل و انتقالاتی را پرده پوشی کند. از این گذشته، بخش بزرگی از طبقه متوسط اروپایی، به شیوه خود از وقوع جنبشهای اعتراضی در ایران حمایت کرده، به تغییرات بنیادی در ایران و غلبه بر تروریسم اسلامی در غرب و مراکز تقریحات سالانه خود، امید بسته اند. ساده نیست، که مقامات کشورهای غربی بیکباره توافق مردم اروپا را به طرح تثبیت هر چه بیشتر رژیم اسلامی، از طریق همکاری هسته‌ئی با آن، جلب کنند.

طرح جدید کشورهای غربی در موضوع مذاکرات هسته‌ئی، قابلیت اجرایی حتی برای دو بار را ندارد؛ صرفنظر از اینکه، امکان اجرای آن برای یکبار هم قطعی نشده است. غرب و همگان مطلع هستند، که این طرح فقط باید حجم اورانیوم کمتر غنی شده تحت اختیار رژیم اسلامی را فوراً کاهش داده، تولید سلاح هسته‌ای توسط آن را، حداکثر بمدت ۲ سال به تأخیر اندازد. آنها در عین حال از این موضوع کاملاً مطلع هستند، که طرح حمله هوایی رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ئی رژیم اسلامی هم، درست همین هدف را دنبال کرده، حداکثر، کند ساختن زمان دست‌یابی حکومت اسلامی به سلاح هسته‌ئی را موجب خواهد شد. از این رو، سؤال اصلی در شرایط شکست احتمالی مذاکرات هسته‌ئی کنونی، میتواند به اسرائیل هم مربوط شود: اگر رژیم اسلامی، طرح کنونی برای ایجاد تأخیر در تولید سلاح هسته‌ئی را نپذیرد، در اینصورت طرح نظامی اسرائیل، که قادر است تضمینی در همین حد را ایجاد کند، میتواند آلترناتیو ممکن بعدی تلقی شود؛ این اما راه حلی است، که غرب نمیخواهد و به دلایل متعددی نمیتواند از آن پشتیبانی کند؛ به ویژه اینکه، اتوریته سیاسی و اعتبار آن در تسلط بر بحرانهای منطقه‌ئی، تماماً زیر سؤال رفته، کنترل شرایط امنیتی خاورمیانه از دست آن خارج میشود.

شکست طرح کنونی برای مهار برنامه هسته‌ئی رژیم اسلامی، تشدید همه جانبه تحریمهای اقتصادی و مالی علیه رژیم اسلامی را به دنبال خواهد آورد. از وحشت بروز یک جنگ در منطقه، چه بسا دولت باراک اوباما، انجام تحریمها را با شدت و حدت آغاز کرده، حمایت روسیه و چین را هم به این منظور کسب کند.